

امام حسین (ع) و تفسیر انفسی ذکر خدا

حسین علیه السلام فقط ذاکر نیست، بلکه خود ذکر است و آینه تمام نمای مذکور. توجه به حسین توجه به خدای عالم است و مایه اطمینان.



حسین علیه السلام فقط ذاکر نیست، بلکه خود ذکر است و آینه تمام نمای مذکور. توجه به حسین توجه به خدای عالم است و مایه اطمینان.

به گزارش خبرگزاری مهر، عبدالله صلواتی، دانشیار و معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی در یادداشتی با عنوان امام حسین علیه السلام و تفسیر انفسی ذکر خدا به جایگاه امام حسین (ع) در رسیدن به خدا پرداخته است:

بارها خواندیم از قرآن کریم که: الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (الرعد ۲۸): (هدایت شدگان) کسانی هستند که ایمان آورده و دل هایشان به یاد خدا آرام می گیرد. بدانید که تنها با یاد خدا دل ها آرام می گیرد.

در تفسیر تستری ذیل این آیه آمده: هر گاه بنده مشغول طاعت خدا باشد ذاکر است و اگر امری به ذهنش خطور کرد آن امر خطور یافته قاطع ذکر است.

قشیری در لطائف الاشارات می گوید: اگر قلب بنده ای با ذکر خدا مطمئن نشد این امر به خللی در قلب او باز می گردد و قلبش در فهرست قلب های صحیح قرار ندارد.

غزالی در منهاج العارفین می نویسد: ذکر خالص آن است که در آن غیر خدا در میان نباشد.

در مرصاد العباد آمده: چون سلطان ذکر ساکن ولایت دل بود دل با او اطمینان و انس گیرد و با هرچه جز اوست وحشت ظاهر کند.

نویسنده کاشف الاسرار ذیل این آیه اظهار می دارد: دل حقیقی آن است که در او جز ذکر حق نباشد.

کاشانی در شرح منازل درباره این آیه می گوید: مصداق این آیه کسی است که قلبش رب خویش را فراموش نمی کند و لحظه ای از او غافل نمی شود و هر گاه از وعید خدا بترسد و خوف بر او غلبه کند خدا از باب وعده سکینه را بر قلبش نازل می کند و رجا بر او غلبه می کند و مطمئن به رجا می شود.

ایام محرم است و من مشغول تأمل در این آیه. به ذهنم گذشت که کربلا سال ۶۱ هجری را تجلی این آیه بدانم و حسین علیه السلام را در طوفان بلا، کانون ذکر و گرانیگاه آرامش به اذن خدا.

در گامی دیگر، می توان گفت: حسین علیه السلام فقط ذاکر نیست، بلکه خود ذکر است و آینه تمام نمای مذکور. با این توضیح که: توجه به حقیقتی که در او غیر خدا راه ندارد و ذهن و زبان و سیره و رفتارش یکپارچه حق و حق نماست این حقیقت هم ذکر خداست و توجه به او توجه به خدای عالم است و مایه اطمینان.

از منظر تفسیر انفسی یاد شده می توان داستان ماندن اصحاب عاشورایی را طور دیگری هم دید: می گویند امام حسین علیه السلام در تاسوعا به اصحابش گفت من بیعتم را از شما برداشتم و می توانید بروید اصحاب باوفایش که جز حسین علیه السلام را کانون ذکر و در پی آن، کانون اطمینان و سکینه نیافتند ترک امام را ترک خدا یافتند و عاشقانه ماندند؛